

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

تئوری حسابداری

فصل اول:

۱- روش اولین صادره از آخرین وارده و تولید ناخالص ملی :

این سوال پیش در آمدی است بر بحث پیامدهای اقتصادی که در فصل های بعدی آمده است . حسابداری اثباتی (تئوری اثباتی) چنین استدلال می کنند که تمام مقرارت حسابداری دارای عواقب اقتصادی می باشند و این عواقب را باید در زمانی که راجع به یک استاندارد یا یکی از مقررات ، تصمیم گیری می کنیم ، مد نظر داشت .

فصل بعدی ، بررسی هیئت استانداردهای حسابداری مالی را نشان می دهد که مسئولیت آنها بیان حقیقت است ، مهم نیست که چه نتایج اقتصادی را در بر دارد. این بیشتر در چارچوب مفهومی و با دقت توضیح داده شده است. هر چند *Pilate* و منتقدان *FASB* پرسیده اند که «حقیقت» چیست؟

نظر من این است هر چند برخی مواقع مشکل است که حقیقت حسابداری تعریف شود و مشکل است که در زمانهای مختلف سنجیده شود ، اما آن شناخته ترین موضوع می باشد . برای مثال ، ما همگی ارزیابی کردیم که حسابداری بهای تمام شده ی تاریخی، حقیقت را درباره بهای جاری دارایی ها نمی گوید. حتی اگر چه ممکن است جوابهای دقیقی از آنچه که حقیقت واقعی اقتصادی را تشکیل می دهد، نداشته باشیم. حتی اگر وجود داشته باشد، من معتقدم که ما همگی تصدیق می کنیم که فهمیدن این موضوع ، توانایی ما را در تشخیص سرمایه گذارهای خوب و بد بهبود می بخشد .

به طور واضح، آن سهامداران حاضر قادر می سازد خبرهای بد را از به عنوان کسرسهام اعلام نماید. دردنیای امروز که افراد تنها به نتایج اقتصادی بی واسطه توجه می کند، این همان حقیقت افشاء تعریف می شود، به بعضی از افراد آن آسیب می بینند در حالی که بعضی دیگر از آن منفعت می برند. اما اگر بررسی طولانی تری را اتخاذ نماید، سهام داران حاضر، به عنوان سهام دار شناسایی می شوند و جنبه های این گفتگو را تغییر می دهند بنابراین من بر این اعتقادم که این مشکلی را ایجاد نخواهد کرد یک توافق ملی را پایه ریزی می کند و اینکه ما باید حقیقت را بگویم و نتایج را ادامه دهیم.

۲- شرکت *Allegheny Beverage*

به طور کلی، این مورد بر منافع عمومی قابل دسترس متکی می باشد اما در ابتدا توسط پرفسور جان شانک توسعه یافت. جزئیات بیشتر درباره موفقیت شرکت *Allegheny Beverage* قابل دسترس می باشد که ممکن است از *Clearing House* قسمتی سهامداران بوستون، *MA* 02163 خریداری شود.

این مورد شامل جزئیات شکایت تکمیل شده توسط *SEC* بر ضد شرکت و مؤسسه تجاری حسابرسان می باشد. آن هم چنین شامل فتوکپی مقاله ای است که در روزنامه *Wall street* در ۲۱ ماه دسامبر سال ۱۹۷۳ ارائه شد، می باشد که در آن *Allegheny* اذعان کرد که عملکرد ارزش فروش سال قبل از فروش آن کاملاً مستهلک کرده است. یک نکته نوشته شده توسط یکی

از دستیاران دانشجویی من ارائه شد که نتیجه واقعی موفقیت *ALLgheny* به شرح زیر نشان می دهد:

تصمیم *ABC*، سرمایه ای کردن هزینه بهره برداری مشخص و بررسی هزینه های بازار می باشد. تمام قراردادهای مشروط فروش را برای فروش ماشین آلات نشان میدهد در حالی که درآمدسال ۱۹۷۱ بررسی نشده است. به راستی این تنها یکی از چندین کارهای نادرست مدیریت می باشد که در آن زمان تحت امنیت *SEC* قرار گرفته است

SEC یک درخواست در مقابل *ABC* در ماه می سال ۱۹۷۳ تهیه نمود که در آن *abc* مسئولیت نقض کردن قوانین اوراق بهادار مثل تقلب و متزلزل کردن بخشها را بر عهده گرفت هزینه های که به طور غیر قانونی ایجاد شد باعث شد که ارزش سهام افزایش یافت و سودهای در سال ۱۹۷۱ از طریق استفاده از کارهای چون حساب سازی ایجاد شود آن هم چنین اظهار کرد که رئیس شرکت به طور غیر قانونی ۵۴۰۰۰۰ دلار از صندوق های شرکت به عنوان سوء استفاده شخصی برداشت نموده است و هزینه بعدی این بود که ۱۰ میلیون اوراق قرضه به طور نامشروع توسط *Valu Vend* در معرض فروش قرار گرفت و اظهار داشت که اوراق قرضه از طریق یک معامله ساختگی و با استفاده از مشارکت های ساختگی فروخته شدند. تقاضا *ABC* به خاطر جلوگیری از تخلفات بیشتر اقدام به دستیابی به یک دستورالعمل که *ABC* را مجبور می سازد گزارشات خود را بر اساس آن تهیه نمایند او اظهار داشت که این گزارشات گمراه کننده است و آنرا باید

تصحیح نماید. در ژانویه سال ۱۹۷۵ دادگاه دولت مرکزی فقط به این بسنده کرد و بر اساس آن رأی صادر نمود که در آن *ABC*، در رابطه با اوراق قرضه منع شده است.

علاوه بر این، این دادگاه هم چنین دستور داد که رئیس باید ۷۰۰۰۰ دلار به *ABC* بپردازد تا سوء استفاده شخصی از صندوقهای شرکت را جبران نماید و ۲۵۰۰۰ دلار جداگانه تهیه شود تا به اشخاصی که سهام آورده اند پرداخت شود و به خاطر رها شدن از فشار شرکت سهام را بازخرید نمایند. *ABC* حسابرسی را انجام داده و متوجه شد که ۵۴۰۰۰۰ دلار که توسط رئیس کلاهبرداری شده است باید در حقیقت باز پرداخت نماید، *ABC* یک کمیته رسیدگی مستقلی پایه ریزی کرد تا روشهای حسابداری اش را تعدیل نماید. تا گزارشات مالی که توسط *SEC* تأیید شده بود تهیه نمایند. *ABC* بدون در نظر گرفتن هزینه های کلاهبرداری دستورات دادگاه تأیید نمود در گزارش سالانه اش در سال ۱۹۷۵، *ABC* اظهار کرد که نماینده مستقل ویژه مبلغ ۵۴۰۰۰ دلار از رئیس شرکت دریافت نماید ولی هیچ مبلغی بابت خسارت دریافت نشده است. *ABC* یک کمیته رسیدگی مستقل پایه ریزی کرد و شرکتهای *Benjamin Botwinnick* به عنوان حسابرسان جدید جایگزین شدند. از این رو صورت های مالی سال ۱۹۷۱ تعدیل نشدند. در ماه اکتبر سال ۱۹۷۳ یک سهامدار و یک کارمند در مقابل حق *ABC* از تمام ساکنان میشیگان دلیل آنها خرید سهام عمومی که *ABC* بین آوریل سال ۱۹۷۱ و می ۱۹۷۳ خریداری نمود. اظهارات آنها مانند درخواست *ABC* بود و خساراتهای از بابت خرید سهام *ABC* باقیمت های بالا و همچنین مبالغی از بابت کلاهبرداری مطالبه نمودند.

از این رو ، حرکت هایی برای ایجاد یک گروه ملی و گسترش گروه های مختلف تأیید نشد . بنابراین هر گونه نتیجه ای از این درخواست ، هیچ تأثیریر روی شرکت نداشته است . *ABC* تنها شرکتی نبود که رسماً محاکمه شد حسابرسان شرکت *Benjamin Botwinicle* به خاطر اخلاق حرفه ای شرکت را به دادن اطلاعات غلط و گمراه کننده محکوم نمودند . آنها هیچ کار جدیدی که نیاز به تهیه گزارش به *SEC* در یک دوره ۱۰ ماهه داشته باشد را قبول نکردند . شرکای مسئول *ABC* بایستی حداقل در ۱۰۰ ساعت از دوره های آموزشی و سمینارها در رابطه با موضوعات حسابداری عمومی و حسابرسی که در سالهای بعد برگزار می شود شرکت کنند . همه شرکاء بایستی ۴۰ ساعت و یا دوره های آموزشی مربوطه بعدی که در طی ۵ سال برگزار شود شرکت نمایند . *Poor Benjamin* اسمش بد نام شد و از زمانی که کار حسابداری شرکت *abc* را بر عهده گرفت ، کار حسابداری دیگری انجام نداده بود . سرانجام یک بانک و دو شرکت دیگر به خاطر خلافهای بیشتری که در نتیجه نقش شان در رابطه با معامله اوراق قرضه ساختگی داشتند بر کنار شدند . یکی از شرکت ها نیز به طور رسمی بازخواست شد . این کار قابل ملاحظه بود چرا که این اولین بار بود که چنین شرکت هایی و نه منحصرأ شرکای آنها بازخواست شدند . به عنوان یک توضیح اضافی ، *ABC* ضرر خالص ۱۲/۵ میلیون دلاری را در سال ۱۹۷۲ نشان داد که ۸ میلیون دلار از آن به خاطر هزینه کسر شده ، هزینه های مالی معوق قبلی بود و کاهش ارزش موجودی ها در اثر استهلاک و ذخایر مربوط به قراردادهای بخش *Valu*

Vend را منعکس می کرد . نکته اخلاقی این داستان در اینجا ممکن است بیشتر از سایر موارد وجود داشته باشد .

برای یک گزارش از این مورد یا موارد متشابه می توانیم از شکل ظاهری متفاوتی استفاده کنیم . من معمولاً تعریف حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی که وقایع را گزارش می کند ، شروع می کنم . سپس شروع به توسعه رویدادهایی که گزارش شده اند ، می پردازم . من متذکر شدم که گزارشات ما بر معاملات مبتنی بر حوادث متمرکز شود و ما حوادثی مثل تورم و تغییر مدیریت را نادیده می گیریم . سپس من می پرسم که چه موقع یک رویداد شناسایی می شود . حسابداران جدید و حتی بعضی دانشجویان که هیچ چیزی جز رعایت بدهکاری های و بستنکاری نمی دانند و تحت تأثیر زمان دقیق شناسایی درآمد که در کتاب استاندارد نوشته شده است قرار می گیرند . آن مانند یک شوک آرام به آنها است زمانی که یاد می گیرند چگونه درآمد را شناسایی کنند و آن را توسعه دهند . یک مورد مثل *Allegheny Beverages* یا مورد بعدی یعنی گروه شش پرچم در تکزاس و یا مجموعه ای از موارد دیگری ممکن است ، وجود داشته باشد تا مشکلاتی که مدیریت و حسابدارانشان با آن در تصمیم گیری که آیا یک اتفاق ویژه در صورت های مالی شان شناسایی شده است ، روبه رو هستند را روشن نمایند . سوالات ویژه ای که در اینجا پرسیده می شود جامع نمی باشد . اما روشهایی را که ممکن است استفاده نمایند که یادگیری مفاهیم مشکل را در آغاز این فصل تقویت کند ، جوابهای کوتاه به شرح زیر است :

۱- رویکرد استقرایی که با یک تعریف که در **GAAP** گنجانده شده است، شروع می شود و به طور منطقی آنچه که باید در این مورد خاص انجام شود را نشان می دهد. یک رویکرد استقرایی ممکن است به وسیله بررسی آنچه که در رابطه با کار آن صنعت می باشد، شروع شود و یک قانون کمی از آن استنباط می گردد. استقراء با مشاهده شروع می شود اما آنها مشاهدات ضروری نیستند که یک شخص به وسیله مشاهده آنچه دیگران انجام می دهند، بیان می کند. شخص می تواند مجموعه ای از فرضیات را بسازد و یک قانون کلی از آن استنباط کند. آنها به کار صنعت اعتماد دارند. آنها می توانند به کار دیگر صنایع نگاه کنند. آنها می توانند برای هر کشور قوانین ویژه ای را ایجاد نمایند. آنها ممکن است که از کد مالیاتی برای عقاید خود استفاده کنند. به طور خلاصه، آنها می توانند هر یک از رویکردها که در این فصل توضیح داده نشده است را رسیدگی نمایند.

۲- این مورد دارای مفاهیم اخلاقی است. یک بدگمانی واضح نسبت به مدیریت که سعی می کند تا درآمدها را بیش از واقع جلوه دهد وجود دارد. از طرف دیگر، در نتیجه مباحثه با حسابرسان، هر چیزی درباره شرکت های تابعه افشاء شده است. آیا این کافی است که جزئیات را با یک توضیح اضافی درباره اینکه چگونه شخص درآمدها را بیش از واقع بالا ببرد، آشکار سازیم؟ آیا یک شخص از افشای عادلانه در اینجا سخن می گوید به حسابرسان یک جابجائی تکنیکی از این کلمه را ارائه داده اند. من دوست دارم این جابجایی

را با تعریف متعارف تری مقایسه کنم . آیا کار مدیریت می تواند تنها با توصیف کردن

کارهایش برای صاحبان سهام عادلانه باشد .

۳- این سوال ، همانند سوال قبلی است . با شروع درباره انتشار سهام آیا این کافی است که

صاحبان سهام را با یک معمای مشکل رو به رو شوند یا بایستی مدیریت آنها را با یکدیگر

قرار دهد ؟

۴- نظریه پردازانی که درباره کارایی بازار بحث می کنند که به طور میانگین ، سرمایه گذار نباید با

چنین معماهای مشکلی در مرحله اول روبرو شوند سرمایه گذاران خبره و ماهر کاملاً قادر

هستند که در کنار یکدیگر قرار دهند تا تحت بهترین شرایط ، مدیریت ممکن است برای آنها

زمان و انرژی را ذخیره کنند و تعداد زیادی از سرمایه گذاران علی رغم انتقادهای که وجود

دارد به تئوری خود ادامه می دهند و حسابرسیان احتمالاً حق دارند که درباره آن نگران باشند .

۵- یک راه حل ترکیبی بایستی به راه حل استقرایی با استفاده از اصول و شروط اصلی

استانداردهای نزدیک باشد یک راه حل معنایی باید بدنبال بدست آوردن ماده اصلی اقتصادی

از معامله باشد . یک راه حل برنامه ای باید به این انتشارات مانند پیامدهای اقتصادی گزارش

معامله در یک روش ویژه نگاه شود .

۳- شش نشانه (پرچم) در تکزاس :

به طور کلی این مورد بر پایه منابع قابل دسترس عمومی می باشد . اما از اصل این مورد را جان شانک تحت عنوان « شرکت سهامی بزرگ جنوب غربی » از دانشکده هاروارد ارائه نمود (۵۴۲-۱۷۲)

این مورد بیشتر توسط پرفسور کین فریز و جان شانک توسعه یافت و در گزارش مالی شرکت توسط *Mark E Haskins Keneth R Ferris .E. Richard Brownlos* ظاهر شد. این مورد در تعدادی مورد همراه با انتشارات موجود توسط شرکت *Allegheny Beverage* ارائه شد . آنچه که با ایجاد ارزش افزوده می گردد . حقیقت این است که شرکت سهامی بزرگ جنوب غربی یک شرکت تابعه از شرکت پنسیلوانیا می باشد .

همان طور که پرفسور شانک در تفسیرش درباره این مورد متذکر شد که فروش ظاهری اقدامی است که در یک معامله صوری اوراق بهاداری را می فروشد . تکزاس در تاریخ ۶/۳/۶۹ به راه آهن مرکزی *Penn* (مبتنی بر اصل تلفیقی) اجازه داد که تا گزارش خود را اعلام نماید و آنرا برای سه ماه دوم سال ۱۹۶۹ (اگر چه فروش در اصل گزارش موقت شرکت افشاء نشده بود) رسیدگی کند و بنابراین به تعویق انداختن آگاهی عمومی از خطرات موقعیت مالی راه آهن مرکزی *Penn* باعث شد که سرانجام چند ماه بعدتر به بزرگترین ورشکستگی را منجر شود.

سوال این است که آیا معامله در واقع یک فروش بودو یا همان طور که نویسندگانی مثل پیت ومارویک استدلال کردند ، یک معامله ساختگی بود . در حالی که *SEC* سه سال بعد آن را اثبات

کرد. در این سطح ، هیچ چیز غیر معمولی دربارهٔ فروش وجود ندارد . این یک حوزهٔ فروش است که در یک نرخ بهره نرمال معقولی برای یک دوره به اوج می رسد . اما توضیح اضافی دو چیز را آشکار می کند که ممکن است دارای سیگنالهای هشدار باشد .

اولاً ، اموال شرکت تضامنی که بر اساس تغییر قیمتها فروخته شده است به عنوان شریک ضامن عام می باشد . بنابراین یک معاملهٔ مربوط که در اینجا پنهان شده است ، وجود دارد .

دوماً شرکت تضامنی در فروش ظاهری اوراق بهاداری به دیگران می فروشد به عبارت دیگر ، یک روش برای تفسیر آنچه ممکن است واقع شود این است که به طور ساده یک شرکت سهامی

ساختگی پایه ریزی کرد که قادر باشد سود را شناسایی کند آنچه در توضیح اضافی پنهان شده است ، این حقیقت است که پایه ریزی فروش در طی یک دورهٔ ۳۵ ساله انجام شده است . این

ممکن است به وسیله تقسیم سود توسط پرداخت های اصولی ایجاد گردد . فهرست های ارزش کنونی می تواند مورد استفاده قرار گیرد تا نشان دهد که برای پرداخت های سالیانه حدوداً ۸

میلیون دلاری مورد نیاز است که اصل و بهره را پرداخت نماید تا سند را تسویه حساب کند یعنی ۲/۸ میلیون دلار تخفیف ۶/۵ درصدی برای ۳۵ سال حدود ۳۸ میلیون دلار می باشد. این پول بر

اساس اقدامی به وجود می آید که معامله گر اوراق بهاداری شرکت تضامنی را می فروشد . آن توسط شرکت تضامنی شریک ضامن عام پرداخت می شود . در این رویداد ، پولی را که بر

اساس معامله اوراق بهادار با دیگران به وجود می آید ، بی نتیجه می ماند و به شریک ضامن عام برمی گردد . من آن را در زمان تدریس کردن این مورد که مالکان اصلی شش نشانه(پرچم)

بودند ، آشکار نکردم من احساس می کنم وقت کافی برای فکر کردن درباره افشاء انتشارات شناسایی درآمد وجود دارد . تنها در پایان ، بعد از اینکه من از کلاس خواستم که رأی گیری کنم، من بقیه داستان را افشاء می کنم . من معتقدم که مهم است که به فقدان جزئیات افشاء مربوط به معامله تاکید کنم لزوماً روش حسابداری صحیح برای این معامله تغییر نمی کند بلکه نیاز به یک افشاء سازی عادلانه وجود دارد .

۴- شرکت Elmo (نوامبر ۱۹۷۳ - شماره ۴)

الف) حسابداری جریمه را زمانی به عنوان یک هزینه دوره کنونی در نظر می گیرد که جریمه در نتیجه یک رویداد غیر معمولی که در یک دوره اتفاق می افتد ، مورد توجه قرار می گیرد . از آنجا که جریمه موضوعی است که دارای ماهیت غیر تکراری است و یک قلم غیر مترقبه را به عنوان یک بخش قبل از اقلام غیر مترقبه نشات داده می شود . بخش تجهیزات کنترل آلودگی هوا از به وجود آمدن جریمه های بیشتر جلوگیری می کند . این احتمالاً مهمترین کار است که مورد توجه و ملاحظه قرار می گیرد .

۲) حسابداری ، جریمه را به عنوان اصلاح دوره های قبلی در نظر می گیرد که آیا جریمه در نتیجه فعالیت های تجاری دوره های قبل ایجاد یا این که در نتیجه یک رویداد کنونی به وجود آمده است . جریمه تعیین می شود تا خسارتی در نتیجه فعالیت دوره های قبلی ایجاد شده است را اصلاح کند و بنابراین قیمت تولید که از نتیجه گزارش دوره های قبلی به وجود می آمد توجیه بیشتر به وسیله این حقیقت آشکار می سازد که تعیین میزان جریمه یک قضاوت

شخصی است و توسط مدیریت (آژانس کنترل آلودگی) نمی تواند به طور منطقی قبل از
اتفاقی تخمین زده شود . تعدیل دوره قبل بایستی به عنوان یک تعدیل از ترازنامه در ابتدای
سال کنونی به عنوان سود انباشته که قبلاً گزارش شده ، گزارش شود . اگر صورتهای مالی دوه
های قبلی نشان داده شود . آنها بایستی دوباره بیان شوند تا در صورت سود و زیان قبل از ارقام
غیرمترقبه نشان داده شود . جریمه قابل تخصیص برای هر دوره و اصلاح مناسب اقلامی که
تحت آن عنوان قرار گرفته مانند سود انباشته ، بدهی ها . سود هر سهم در نظر گرفته شود .
(۳) حسابداری ، جریمه را به عنوان یک قلم تبدیل به سرمایه که در دوره های آتی مستهلک
می شود در نظر می گیرد در صورتی که جریمه به عنوان یک پرداخت ایجاد شده از سود
دوره های آتی باشد ، تایید می شود . اگر جریمه پرداخت نشود . *Bland* اجازه نخواهد
داشت که در دوره های آتی کا رکند بنابراین جریمه شعبه به عنوان یک مدرک برای انجام
تجارت لازم می باشد . از آنجا که هزینه مستهلک شده از دوره ای به دوره ی دیگر برگشت
داده می شود . آن بایستی در صورت سود و زیان قبل از غیر مترقبه ویژه گنجانده شود .
استهلاک بایستی با یک روش عقلانی و سیستماتیک و تحت کار کنونی محاسبه شود . ۴۰
سال حداکثر زمان است که یک دارایی نامشهود ممکن است ، مستهلک شود .

ب (۱) آقای *Pearce* بر اساس مشاهدات هزینه های ایجاد شده (بر اساس آلودگی) توسط
Daris شناسایی نماید به طور کلی هزینه های که ثبت شده اند و ممکن است برای حسابهای
Daris که الزاماً صحیح نمی باشد به کار رود . تا اندازه ای هزینه های مؤسسات تجاری در

نتیجه آلودگی افزایش پیدا می کنند ، تنها هزینه های ثبت می شوند که در نتیجه آلودگی نمی باشد . هزینه ها تا اندازه ای که نماینده دولتی و سازمانهای غیر انتفاعی برنامه هایی را برای انعکاس تأثیرات آلودگی در نظر گرفته اند ، ثبت می شوند . *Elmo* خودش ممکن است هزینه ها را در فرم مالیات ها و مالیات های اختیاری به طور غیر مستقیم ثبت کند. بنابراین چنین هزینه های غیر مستقیمی ممکن است که متناسب با قوانین مالیات دولت نباشد در شرکت *elmo* هزینه تجهیزات آلودگی خسارت دیده تا اندازه ای که باعث کاهش هزینه های دیگر می شود ، به عنوان هزینه ثبت می گردد

(برای مثال دستمزدهای بالاتر برای مواجه شدن کاربران با خطرات سلامتی)

۲ - آقای *Pearce* پیشنهاد داده است که هزینه های در هر دوره ثبت می گردد ، هزینه جلوگیری از آلودگی می باشد . از آنجا که جلوی آلودگی را نمی توان گرفت ، استهلاک تجهیزات کنترلی ممکن است که هیچ رابطه ای با هزینه ها واقعی اجتماعی نداشته باشد . از این رو ، این منطقی تر است که از هزینه جریمه های بالقوه ارزیابی شده توسط نمایندگی های دولتی و یا کاهش هزینه یا خسارت آلودگی وجود دارد . نمونه هایی از اقلامی که در این موضوع گنجانده شده اند ، هزینه تغییر کردن حومه شهر ، هزینه برطرف کردن خسارت آلودگی آبی ، هزینه مربوط به بیماری شش برای کارگردانی که در آنجا کار می کنند ، می باشد . تعیین هر یک از این هزینه های ترکیبی مشکل خواهد بود . اگر این امکان وجود داشته باشد که بدهی هزینه های آلودگی را برآورد کنیم ، این هزینه ها مهار می شد و اگر اینکه یک پیش بینی برای هزینه های آلودگی

سالهای قبل انجام شود. برای موافق بودن با قضیه اصلی آقای *Pearce* این است که هزینه های تکراری از صورت سود و زیان *Elmo* حذف شود، هزینه های دوره قبلی بایستی به عنوان اصطلاحات دوره قبل تسویه گردد.

۳- ارزش پیشنهاد آقای *Pearce* بستگی به نظر گرفته شده از گزارش هزینه واحد مستقل اقتصادی دارد. نظر قراردادی واحد تجاری این است که یک واحد مستقل اقتصادی به عنوان مثال برای به حداکثر رساندن سودهای قابل دسترس به مالکین به وسیله هر ابزار قانونی به عنوان هدف قانونی اش مسئول است. بعضی حسابداران در حال حاضر پیشنهاد می دهند که بایستی گسترش داده شود تا یک واحد مستقل اقتصادی مسئول تعداد زیادی گروهها شامل مالکین، بستانکاران، مدیریت، کارمندان، مشتریان، حسابرسان مالیاتی، نمایندگی های قانونی و عموم مردم باشد یک نظر نزدیکتر و منطقی تر آن است که بعضی برآوردها در هزینه های آلودگی گنجانده شود. حتی اگر معتقد باشیم که واحد تجاری تنها در مقابل مالکان مسئول است. ممکن است در پیشنهاد آقای *Pearce* ارزشی وجود داشته باشد. به طور سنتی، هر واحد تجاری تنها هزینه هایی را ثبت می نماید که واحد تجاری خودش متعهد و پرداخت می نماید.

در حالی که تعداد زیادی واحدهای تجاری گسترش می یابد، نظر واحد تجاری به طرف واحدهای مستقل اقتصادی که در برابر افراد بیشتری مسئول هستند، تغییر می کند. اگر این گردش ادامه پیدا کند، انتظار می رود که هر واحد تجاری ممکن است تا برای بر طرف کردن

عملکرد نامطلوب آلودگی اقداماتی را انجام دهند مگر اینکه هزینه با بدهیهای که بر اساس

خسارت به وجود آمده و ثبت گردیده مرتبط باشد در نتیجه این عملیات که حساب حقوق

مالکان سهام (بدهی) اشتباه می گردد .

بنابراین مالکان واحدهای تجاری در این شرایط تفسیر های گمراه کننده ای را انجام می دهند .

اگر اقلام بهای تمام شده و بدهیهای مربوطه در زمانی که خسارتی اتفاق می افتد ثبت نشوند ، در

این صورت نتیجه عملیات ، حقوق صاحبان سهام و بدهی ها ، اشتباه گزارش خواهند شد . در

چنین شرایطی مالکان واحد تجاری در رابطه با وضعیت مالی واحد تجاری خود گمراه خواهند

شد .

فصل دوم

۱- مبانی تمدن غرب

در اینجا از دانشجویان خواسته می شود از محتوای فصل جهت بسط بیشتر از این مفهوم استفاده کنند که تمدن غرب در واقع محصول تمدن غیر غربی است . می توان گفت که بر اساس مصادیقی که بعداً از تمدن غرب گرفته شده است . نکته این است که در واقع ما یک جهان واحد هستیم .

۲- چارت زمانی (عمومی)

این پروژه بازنمایی علاقه مندی های کلاس است . چندین خطوط زمانی از لحاظ تجاری در دسترس می باشند تا از آنها جهت پاسخ به این سوال استفاده کرد .

۳- چارت زمانی (خاص)

هم چون سوال ۲ این سوال باز نمایی علایق کلاس خواهد بود .

۴- مشارکت زمان

این سوال ی بحث آزاد است : مشتاق شنیدن هر گونه جوابی هستم که توسط کلاس شما ارائه می شود . ممکن است پیشنهاد کنم که پاسخ های آنها این قابلیت را داشته باشد که به عنوان یک مقاله در مجله مورخان حسابداری انتشار یابد .

۵- پروژه ای در مقابل سود ادواری

در اینجا قصد بر آن است که مفاهیم سود دوره موقت در مقابل سود ادواری را تقویت نماییم . در طی عمر پروژه سود خالص را براساس خالص وجه نقدی که حاصل می شود ، اندازه گیری می کنند . تقریباً طبق این تعریف می توان گفت که مهم نیست که شخص ، چگونه سود خالص را اندازه گیری می کند ، محاسبه سود پروژه نیز مشابه است . به بیانی دیگر مشکلات گزارشگری مالی خاصی درمورد پروژه حسابداری سود وجود ندارد . گزارش آخر دستخوش این هشدار می شود که زمانی که شخص باید بین سودهای واقعی و سودهای تورم تشخیص قائل شود ، ممکن است بخواهد تورم را به حساب آورد . اما آن بخشی از فصل بعدی است و نباید در اینجا مطرح شود .

۶) حسابداری دو طرفه

آیا کشور کمونیست می تواند ترازنامه ی خصوصی داشته باشد ؟ دارایی در یک کشور چه چیز است که امکان مالکیت خصوصی را ایجاد نمی کند ؟ بدهی در یک کشور چیست که امکان بدهکاری مخصوصی را ایجاد نمی کند ؟

بنابراین ، استدلال می کنم که پاسخ این سوال « نه » می باشد . از طرف دیگر ، همیشه می توان چپ و راستی ایجاد کرد و حسابداری را به عنوان استدلال حسابداری انجام داد . هم چنین ، می توان همیشه استدلال کرد که مانده حساب فقط وجوه اختصاصی است . بنابراین ، طبق این مفهوم ، حسابداری دو طرفه همیشه ممکن است .

(۷) حسابداری مدیریت در برابر حسابداری عمومی

پیشینه ی تاریخی فعالیت های آنها را منعکس می کند. آدم های منفی باف می گویند که مدیران اجرائی می خواهند شرکت را به نفع خودشان اداره کنند. آدم های کمتر منفی باف می گویند مدیریت علاقه دارد ببیند پیشینه ی درستی از تلاش های آنها وجود دارد.

(۸) تحول در حسابداری

استهلاک نمونه ای از تغییر زمان خودمان است. اقلام دیگر در بحث در مورد این سوال ظاهر می شوند. همواره این نمونه هایی از دارایی یا بدهی هستند که در زمان پانچولی وجود نداشت. اما حسابداری نسبت به زمان خودش بدون تغییر مانده است. برای مثال، با دامنه ی بسیار وسیع تر از اسناد مالی نسبت به آنچه که او می توانست در خواب ببیند داریم. با این وجود، هم چنین آنها را به نظام اصلی حسابداری بر می گردانیم. به طور خلاصه، این نتیجه گیری به طور اجتناب ناپذیری باید صحت اظهارات *Littleton* را بپذیرد.

(۹) نوشتن تاریخ

من معتقدم که تاریخ مبحث مرتبطی است. انتخاب حوادثی را که سعی داشتند که مطلوبیت را تأیید کنند می پذیریم. به یک ایده بااهمیت و جهانی اعتقاد دارم. حوادثی را که برای این فصل انتخاب کردم برای کمک به آن داستان انتخاب شدند. بدون شک، دیگر جانبداری های وجود خواهد داشت. سعی می کردند تا بر روی نقش مهمی که ایالت متحده در توسعه

ی اصول حسابداری ایفا کرده است تأکید کنند . هر کس به حوادثی که سعی کرده ام نشان
دهم نگاه متفاوتی انداخته است .

۱۰- تراز نامه: جدید و قدیم

یک نسخه مدرن از ترازنامه شرکت *gottlibl* در زیر نمایش داده شده است

gottlibl

۱۷ ژوئیه ۱۵۴۵

۴۴,۱۶,۰	حسابهای پرداختی	۲۲۲۹,۱۰,۳	وجه نقد
۲,۰۰۰,۰,۰	سرمایه	۲۰,۰۰	حسابهای دریافتی
۲۲۰,۱۴,۳	سود انباشته	۱۶,۰,۰	موجودی کالا
۲,۲۶۵,۱۰,۳	جمع دارایی و بدهی	۲,۲۶۵,۱۰,۳	جمع داراییها

من تهیه می کردم ترازنامه های قدیمی را براساس شکل ساختاری آنها ولی امروزه ما ترجیح می

دهیم درباره نوع حسابها صحبت کنیم همه معانی محدودی درباره حسابها وجود ندارد

فصل سوم

سوالات

۱- خط زمان

جواب این سوال در نمایش اطلاعات ۱-۳ ظاهر می شود . باید از دانش آموزان بخواهند که خط زمان را در این نمایش اطلاعات گسترش دهند . چند خط زمان تجاری موجود برای این هدف در دسترس می باشند . هم چنین سالنامه وجود دارد که ممکن است دانش آموزان از آنها برای کامل نمودن حوادث جهانی در طی یک دوره ی زمانی استفاده کنند . بیشتر داده های مهم برای حسابداری را می توان از این فصل دریافت کرد ، اما این ممکن است تمرین مفیدی باشد که دانش آموزان را به خواندن موضوعات سابق نشریه ی ماهانه انجمن حسابداران رسمی آمریکا برای دریافت جزئیات بیشتر وادار کنیم . کلاس ۵۰ نفری ، که هر دانش آموز مسئول یک یا دو سال است که به آسانی می تواند این قرن را پوشش دهد .

۲- یک قرن در بازنگری

منظور سوال واضح است . هر جوابی که بدهم ، جانبداری های خودم را نشان خواهد داد . اما اگر شخصی آن توضیح را بپذیرد ، آنگاه جوابم را در مورد تأثیر پس انداز و بحران وام بیان می کنم ، بحرانی که از نظر من تا اندازه ای با حسابداری بهای تمام شده ی تاریخی که تأثیر واقعی فاجعه ی آشکار شده را پنهان می کند تحریک شد . با بررسی تعداد بازارهای تحریک

شده ، شواهد ثانویه (SEC) پاسخ داده است . دیر یا زود ، زودتر از آنچه که به نظر می آید ، اینها بر ملا خواهند شد . سپس فرض مهم حسابداری فرو می ریزد .

(۳) مدرسه ی تجاری مدرن

این سوال دیگری است . قدمت ساختمان ما و احتمالاً شما به اوایل دهه ی ۵۰ بر می گردد و در پاسخ مستقیمی به نیازهای بازگشت GI ساخته شد . بازگشت آنها و رونق بعدی اقتصاد ، رونق توسعه ی تجاری را دامن زد که همواره ذینفعان آن بوده ایم . حدس من این است که آن رونق در حال تمام کردن سوخت است و از حالا تا ۲۰ سال آینده واقعاً تصدیق خواهیم کرد که چه نیم قرن طلایی برای ما در زمینه ی آموزشی تجاری بوده است .

(۴) گزینه های آزاد برای مدیریت

این سوال به نمایش اطلاعات ۲-۳ نه ۱-۵ اشاره دارد . برای دادن مرجع اشتباه می خواهیم ، برخی از گزینه هایی که به اجرا گذاشته شده شامل موارد زیر می باشد . بیشتر روش های مختلف محاسبه ی هزینه ی بازنشستگی حذف شده اند .

۵-تصمیم گیری در مورد اینکه آیا هزینه های تحقیق و توسعه را بپردازیم و یا آنها را به سرمایه تبدیل کنیم از دستان مدیریت خارج شده است .

۶-استهلاک سرفعلی دیگر در اختیار مدیریت نیست .

۸- در حالیکه برخی موضوعات باقی می ماند ، دراکثر موارد موضوعات دیگر نظیر اینکه درباره ی تغییرات حسابداری چه باید کرد ، به طور آشکاری درمورد محدوده ی صورت

حساب سود و زیان تصمیم گیری شده است . به عبارت دیگر ، آنها به نفع صورت حساب

کلی تصمیم گیری شده است

۱۰- توانایی پنهان کردن سرمایه گذاری دارایی ها طی سالها محدود شده است

۱۱- قوانین جدید تلفیق توانائی مدیریت را برای ایجاد موسسات تابع مالی برای سرمایه

گذاری دارایی های خود به شدت محدود کرده است

۱۲- به پاسخ سوال ۱۱ نگاه کنید . من معتقدم که گزینه ی آزادی علاوه بر آشکارسازی کامل

وجود دارد ، برداشت خود من این است که در اکثر موارد محدود کردن گزینه ها گزارش

مالی بیهوده نمی باشد. دیگران استدلال کردند که در هر مورد ، گزینه های سوء استفاده را

محدود کرد .

(۵) یکپارچگی

الف - برداشت خود من این است که ادعاهای *Kolodny* و *Hrwitz* درست است . نشان

دادن شواهد نظام مند سخت است ، اما تقریباً همه ی ما شواهد بی پایه و اساسی در مورد

ایده ی خرید و میل نهایی شرکت ها به نشان دادن « قانونی » به عنوان دلیل این که چرا نمی

توانند به درخواست خاصی تن دهند ، داریم . این قانون تأثیر اجتناب ناپذیری بر روی این

قضایوت دارد .

ب - در اینجا سعی دارم دانش آموزان را به انتقال یادگیری از حسابرسی و قانون تجارت به

کلاس تئوریشان تشویق کنم و اینکه پاسخ های ممکن زیادی وجود دارد . جزئیات معروف

ترین آنها را می توان در هر متن حسابرسی به خوبی پیدا کند. آنها شامل *mckesson*

و *Robbins*، فروش قاره ای و *Hochfelder* هستند.

ج - پاسخ به این سوال سال به سال تغییر می کند. امروز بیشتر شکایات حسابداری حول محور پس انداز و شکست وام می چرخد. برداشت خود من این است که دعاوی در زمان تعیین موجودی های اوراق بهادار به بازار منتهی خواهند شد. این تغییر عمده ای در کار حسابداری خواهد بود.

د - این نوع بیشتر تنظیم شده از سوال (*B*) است به پاسخ مناسب توجه کنید

(۶) تاریخچه حسابرسی

من از این گزارشات به عنوان اساسی برای کل کلاس تاریخ حسابرسی استفاده کرده ام. به وضوح، می توان از آنها به طور مساوی برای کلاس تاریخ حسابرسی استفاده کرد. در اصل

آنها را از مقاله ی قابل تحسین *George Cochran*، گزارش نویسنده:

آن تحولی که در ایالت متحده ی آمریکا است " استخراج کردم که در کتاب حسابدار ظاهر شدند. (شماره ۴، ۱۹۵۰، صفحات ۴۶۰-۴۴۸).

بعداً دوباره در کتاب چشم انداز هابی به حسابرسی، ویرایش سوم، ویرایش توسط *John j*

willingham.D.R.Carmichaed. چاپ شد آن مقاله، مقالات دیگر پیرامون آن، درباره ی

دعاوی دادگاه که اصطلاحات متعددی را برانگیخت بحث می کنند. این مقالات ارزش

خواندن را دارند.

هیچ رابطه‌ی ضروری بین تغییرات در حسابداری و تغییرات در حسابرسی وجود ندارد، اما

حالت نقشی ایجاد می‌کند. شغلی که، برای مثال، با دعوی *Robbins* و *Mckesson*

حساسیت بیشتری نسبت به تغییر دارد تا شغلی که وضعیت دفاعی به خود می‌گیرد. این

حاکمی از آن است که ممکن است پس انداز و بحران وام در بازنگری به عنوان کاتالیزوری

برای تغییرات بیشتر در این شغل محسوب شود.

cochran تغییر از اولین گزارش به گزارش دوم را به دعوی *Ultramares* در سال ۱۹۳۱

نسبت می‌دهد. از نظر او گزارش چهارم از *Robbins* و *Mckesson* ناشی می‌شود.

فصل چهارم

سوالات

(۱) استانداردها

بررسی معنای مختلف مربوط به کلمه ی استانداردها باید با تعریف

(*FASB*) (*accounting standards board – financial*)، هیأت استانداردهای حسابداری

مالی در صفحه ی ۱۰۹ متن « راه حلهایی برای مشکلات حسابداری » ارائه نمود. این کاملاً

متفاوت از استفاده ی *ASOBAT* (صفحه ی ۳) از واژه ی « معیارهایی که می توان در

مورد تمرین فعلی بر عیله آن نظر داد و توصیه هایی برای وجود بهبودی » است. هم چنین از

تفسیر پتیلو (*patillo*) در صفحه ی ۵۱ کتاب که در آن از مفروضات بنیادی و استانداردهای

اغلب به جای یکدیگر استفاده می شود، متفاوت است.

paton و *littleton* (صفحه ی ۴) به ترتیب طرح استانداردهای را رد توصیفی برای آنچه

که حسابداری سعی دارد به وسیله ی گزارشات مالی و نتایج عملی به گروه های علاقه مند

بگوید، می دانستند. آنها خاطرنشان کردند که به طور سنجیده از این واژه استفاده می کنند

چون می خواستند از عمومیت و استمرار که ذات اصول است جلوگیری کنند. *littleton*

در ساختار تئوری حسابداری خودش در صفحه ی ۱۴۳ دوباره به این تعریف رجوع کرده و

استاندارد را « توافق در مورد این مقیاس که عمل مناسب در موقعیت خاص چه چیز است »

تعریف می کند . به نظر می رسد این تعریف مشابه به تعریف مورد استفاده بوسیله ی *FASB* است .

ممکن است دانش آموزان از بین متن ها و واحدهای درسی قبلی تعارف دیگری را جمع آوری کنند . اکثر این تعارف را می توان بر روی یک مقیاس که از فرض بالا تا عمل خاص ترتیب یافته مرتب کرد . همان طور که می توان بیان کرد استاندارد ها را این گونه مرتب کرد :
(*SFAS 2 (statements of financial Accounting standards*) یعنی بیانیه ی استانداردهای حسابداری مالی را با *SFAS 66* مقایسه کنید .

جواب خاصی نیاز نیست تنها این تائید از طرف آنها که قبل از اینکه شخص در مورد عمل خاصی تصمیم بگیرد ، به نوعی نظریه پردازی احتیاج دارد .

(۲) حسابداری

سه تعریف که این سوال به آنها رجوع می کند در زیر دوباره چاپ می شود . هر کدام نشان می دهد که به حسابداری در زمان خود چگونه نگاه می کردند . همه ی آنها را با هم نشان می دهد که چگونه حسابداری طی این سالها توسعه یافته است .

حسابداری فعالیت خدماتی است ... (که وظیفه ی آن فراهم کردن ، اطلاعات کمی ، اساساً ، ذاتاً مالی ، درباره ی موجودیت های اقتصادی است که در تصمیم گیری های اقتصادی مفید هستند . بیانیه ی (*APB*) - هیأت اصول حسابداری ، شماره ی ۴

حسابداری را فرآیند شناسایی، اندازه گیری، انتقال اطلاعات اقتصادی است که اجازه ی قضاوت ها و تصمیم گیری های آگاهانه را به کاربران اطلاعات می دهد.

(ASOBAT). حسابداری هنر ثبت، طبقه بندی و خلاصه کردن به شیوه ای چشمگیر و از نقطه نظر پول، معاملات و حوادثی که حداقل تا اندازه ی ماهیت مالی دارند و تفسیر نتایج آن است *AIA (Amer.can Institute of Accounts)* انجمن حسابداران آمریکا

برداشت خودم این است که آخرین تعریف احتمالاً هنوز هم درست ترین تعریف است. از طرف دیگر، تأکید تصمیم گیری در بیانیه ی *ASOBAT* و *APB* شماره ی ۴ به وضوح نشان دهنده ی دیدگاه خود این شغل است. از جهات دیگر، دو تعریف اول دیدگاه این شغل را از فعالیت های خودش نشان می دهد در حالی که تعریف آخر ممکن است حاکی از دیدگاه عموم نسبت به فعالیتهای این شغل باشد.

۳)ترازنامه ها در مقابل صورتحسابهای سود و زیان

این سوال را می توان به نحو سودمندی به خطوط زمانی، ذکر شده در فصل قبل، مرتبط ساخت. قرن با تأکید بر روی ترازنامه شروع شد. بعدازمدتی به ندرت صورت حسابهای سودوزیان منتشر می شد. در واقع تا زمان ترقی سرمایه گذار در دوره ی بعد از جنگ که صورتحساب سودوزیان رایج شد. از زمانیکه *FASB* توجه خود را به صورت وضعیت مالی برگردانده و سرمایه گذاران پیش از پیش از پول نقد آگاهی پیدا کرده اند و از تأکید آن به تدریج کاسته می شود. چه مقدار از آن نیز به دلیل تأکید دانشگاه بر روی تئوری های کارآیی بازار، اصل قیمت گذاری داراییهای

سرمایه ای و تئوری موجود اوراق بهادار می باشد . سوال جالبی است . ممکن است کار مفید در این باره نگاهی به سری کتابهای راهنمای سرمایه گذاری تعبیر *Dodd .Graham* و توجه به چگونگی تغییر آنها طی این سالها باشد . آیا حسابداری به سوی قرار داد ههای دسترس برای استفاده از مدل های رایج سرمایه گذاری گامی بر داشته است.

(۴) فرآیندهای در مقابل اصول

این کاملاً مشخص است که تصمیم *APB* تلاش برای بنا کردن ساختار تئوریک می باشد تا رویه های حسابداری مناسب را تعریف نمایند . بنابراین تغییر در عنوان به طور عمده مهم می باشد ، تفاوت در رویکردها به طور معمول در تعارف حسابداری که در جواب سوال بالا ظاهر شده ، دیده می شود .

(۵) هزینه ی انتقالی به دوره آتی

این سوال به طور غیر عمدی مبهم می باشد . البته منبع اولیه بیانیه شماره ۴ *APB* می باشد . این به نظر من جالب می رسد که *ASOBAT* در همان چارچوب زمانی ظاهر شد و من خواستار بستن آن دو با یکدیگر بودم . یک تعبیر بهتر از سوال ممکن است درباره آنچه مؤسسات *ASOBAT* ممکن است درباره هزینه های انتقالی دوره آتی گفته باشند ، تغییر کند . رابطه بین این دو در ذهن من در بند ۱۹۸۶ در بیانیه شماره ۴ *APB* یافت شده است :

حسابداری برای این دارایی ها و بدهی ها که از منابع یا تعهدات (بند ۱۳۲ را ببینید) و درآمد و هزینه است اصل تعریف دارایی هایی که بعداً در این متن دیده می شود ، می باشد . “ منابع

اقتصادی ... هزینه های معوق مشخص از منابع نیستند ” پاراگراف های ۱۶۹ تا ۱۷۴ با ماهیت قرار دادهای تعدیلی سرو کار دارد تأکید من در اینجا پاراگراف ۱۷۲ می باشد که بر درآمد تأکید دارد . در طی قرن گذشته ، تجار ، استفاده کنندگان صورت مالی و حسابداری مالی به طور افزایشی گرایش به تأکید بر اهمیت سود ویژه داشتند و این گرایش تأکید در حسابداری مالی را تحت تأثیر قرار داده است . اگر چه ترازنامه ها قبلاً بدون صورت سود و زیان نشان داده می شدند ، صورت سود و زیان در سالهای اخیر به عنوان یکی از مهمترین صورتهای مالی مورد توجه واقع شده است . این فرض وجود دارد که اصول حسابداری مفید بودن صورت سود و زیان را افزایش می دهد ، علیرغم این که حرفه حسابداری پذیرفت که اصول می تواند به ترازنامه و صورت سود و زیان تأثیر بگذارد . برای مثال روش اولین صادره از آخرین وارده (*LIFO*) در قیمت گذاری موجودی کالا ممکن است در قیمت های ترازنامه برای موجودی کالاها بیشتر از قیمت های کنونی با گذشت زمان انتقال داده شده ، تأثیر بگذارد . از این رو ، *LIFO* اغلب از زمیة هایی که معمولاً مبلغی را برای قیمت کالایی فروخته شده در تعیین سود ویژه ای که به طور دقیق بر قیمت های کنونی منعکس می شود ، حمایت می کند . این نتیجه اطمینان دارد که تحت تأثیر روش لایفو در نشان دادن موجودی کالا ها در ترازنامه با قیمت هایی که اساساً متفاوت از قیمت های کنونی است ، را جبران می کند .

به طور خلاصه ، هزینه های انتقالی به دوره آتی ، وجودشان را به تأکید بر صورت سود و زیان مدیون است . تأکید بر صورت سود و زیان که اعتقاد به این که صورت بایستی در تصمیم گیری

برای سرمایه گذاری مفید باشد . نکته این است که شخص با تاکید ش بر این که هدف حسابداری فراهم کردن اطلاعات برای تصمیم گیری در رابطه با استفاده از منابع محدود است ، *ASOBAT* تاکید دارد . هزینه های انتقالی به دوره ی آتی از یک ایده حسابداری نشأت می گیرد . همبستگی می تواند به یک مرحله جلوتر رانده شود . زیرا مؤسس *ASOBAT* نیاز به قیمت های کنونی را به عنوان بخشی از یک سیستم اطلاعاتی مفید می داند سپس آنها به طور ویژه در صفحه ۳۴ که مالیات های معوق نشان داده شده اتد ارائه می شود که دوباره آن برنامه های که در حال حاضر به اصول پیش بینی شده انتقال نیافته اند را مورد تاکید قرار می دهند // // // //

۶- اقتدار محتوایی (اقتدار از لحاظ محتوا)

عنوان « اقتدار محتوایی » از *ASR 4* ناشی می شود که در آن *SEC* بیان کرد که صورتهای مالی که بر اساس آن تهیه شده اند بایستی مطابق با اصول حسابداری که از آنها حمایت مقتدرانه ی اساسی وجود دارد ، آماده شوند . آنها در ادامه بیان کردند که در این مورد تفاوت عقیده بین کمیسیون و سازمانهای کنترل کننده وجود دارد بایستی از اصول حسابداری درستی که وجود دارد استفاده نمایند . افشاء سازی صحیح در مورد صورتهای مالی خودشان مورد قبول خواهد بود . تنها در صورتی اصول مورد قبول هستند که حمایت مقتدرانه ی اساسی از آنها توسط سازمانهای کنترل کننده وجود داشته باشد و موقعیت کمیسیون که قبلاً در قوانین ، آئین نامه ها یا دیگر سازمانها ی رسمی مجزا از کمیسیون بیان شده است . شامل نظرات منتشر شده از حسابداری

می باشد و از این زمان و به ویژه از زمان انتشار قانون ۲۰۳ و = (صفحات ۷۴ تا ۷۹ از این متن را ببینید .) ، اقتدار اصلی هم یعنی با اظهار رسمی *FASB* و دیگر اختیارات آن بوده است .

۷- معنای GAAP :

اعتقاد من بر این است که این به طور قابل توجهی باعث کاهش شکاف انتظارات می گردد . این می تواند یک عنوان دقیق تر باشد و خوانندگان آگاه می سازد که صورتهای مالی بر پایه ی بعضی اصول از قانون طبیعی یا حتی اقتصاد نمی باشند . اما به طور ساده یک مجموعه از قرار دادها وجود دارد که در طی قرن ها تأکید یا به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است .

۸- معنای اصول :

این یک سوال نا محدود است که طرح شده تا دانشجویان به فکر کردن درباره آنچه که ممکن است به وسیله عنوان اصول معنی داده شود ، وادارد. این احمقانه است که فکر کنیم ۲۱ سال می تواند نشریات با آن چه دانشجویان سال چهارم برای نیم قرن تهیه کرده اند ، تحلیل کند . از طرف دیگر این غیر معقول نیست که از آنها انتظار داشته باشیم با این نشریات ، به این امید که آنها از بعضی معماهای غیر قابل حل که با کار رو به رو است ، دست به گریبان شویم . اصل موضوع که هنوز در مباحثه بین *Byrne* و *May* وجود دارد در صفحه ی ۹۵ این متن گزارش شده است .

۹- پیامدهای اقتصادی و سرفلی :

منبع در این سوال به فصل یک (بایستی در فصل چهار خواند شود .) موضوع این سوال از فصل ۱ به فصل ۴ بدون اصطلاح منبع تغییر یافته بود . در این نشریه ارائه شده است . چه مواردی

مورد بحث قرار گرفته است آیا مباحثی دربارهٔ اصول و شروط اصلی در نظریه های *Chairman*

Beresford درباره پیامدهای اقتصادی وجود دارد .

Chairman Beresford به نظر می رسد که به طور اجباری برای آن چه که ممکن است به

عنوان یک ایدهٔ ترکیبی و یا حتی معنایی از حسابداری شرح داده شود، بحث کند. به نظر می رسد

که بررسی آن ، حسابداری را از نقطه نظر برنامه ای به طور دقیق نشان دهد . حقیقت برای من

در بین این دو مورد وجود دارد . یک شخص نمی تواند انکار کند که حسابداری دارای پیامدهای

اقتصادی است . از طرف دیگر ، پایه ریزی کردن حسابداری بر اساس پیامدهای اقتصادی اش در

سنت سیاسی ما به نظر احمقانه می رسد

George Washington این وضعیت را وقتی که پیامد ها را نادیده گرفته می شود و باید حقیقت

را گفت ، مسئله غامض این است که در حسابداری ، حقیقت همیشه واضح نیست. برای مثال آیا

بهای تمام شدهٔ تاریخی حقیقت است ؟

۱۰- سرمایه گذاری زیان (سرمایه گذاری کردن زیان)

تهیه این سوال احتمالاً کمی غیرمنصفانه است . این درست است که بگوئیم آنها سرمایه گذاری

کردن در زیان را به عنوان یک کار عمومی بدون در نظر گرفتن واقعیت پذیرفته اند . آن چه که

سوال برانگیز است . محتوا که از آن ذکر شده است یا می باشد . یعنی هزینه های انتقالی به دورهٔ

آتی و هزینه های پیش پرداخت شده که آنها با یگدیگر در صفحه ی ۷۵ ارائه شده اند .

آنها این کار را انجام می دهند زیرا آنها آنها را به عنوان مبالغ نگهداری شده معوق می شناسند که به عنوان هزینه های موجود در دوره های آتی مالی بعد مطالبه می شوند . ضمناً آنها را به عنوان دارایی ها در ترازنامه نشان داده می شوند . آنها در لیست هزینه های پیش پرداخت شده غیر عادی است . سپس هزینه های معوق که از دوام بیشتری نسبت به هزینه های پیش پرداخت شده بر خودار هستند تفکیک می نمایند . علاوه بر این ، آنها اغلب بخشهایی از هزینه های قانونی را تشکیل نمی دهند و گاهی مواقع به عنوان زیانهای غیر عادی شناسایی می شوند که هنوز برای هزینه یا قلم حذف شده دلیل متقاعد کننده ای وجود ندارد. برای مثال آنها هزینه های سازمانی ، هزینه های تحقیق و توسعه و کسر مستهلک نشده اوراق قرضه نشان می دهند . آنها زیانهای انتقالی به دوره ی آتی بیان می کنند که :

شامل هزینه های انتقالی به دوره آتی و زیانهای که قبلاً قطعی و متحمل شده است برای بیان هدف مطالبه ی آنها در مقابل درآمدهای آینده قرار می گیرند و به عنوان یک کار عمومی نمی باشد در یک مورد معمولی از این نوع ، ارزش یک بخش از دارایی ناگهانی و به طور غیر منتظره به وسیله بعضی از نتایج اقتصادی یا طبیعی از دست داده می شود . با این نتیجه که زمان برای تمام شدن درآمدهای مشکوک الوصول و استهلاک آنها بر روش معمولی وجود نداشته اند . ممکن است دلیل خوبی برای ثبت اقلام زیان در مقابل درآمد سال جاری وجود داشته باشد ، اما برای انتقال مبلغ در ترازنامه به عنوان یک هزینه های انتقالی به دوره ی آتی که به نسبت تقسیم شود . چنین دلایلی به طور مکرر در مورد موضوع مطلوبست . در مورد قوانین و مقررات وجود دارد که

اجازه ندارند زیان را به عنوان هزینه عملیاتی در نظر بگیرند. آنرا برای تمام هزینه های انتقالی به دوره آتی یادآور می شویم که یک قضاوت محافظه کارانه بایستی، تمام هزینه های انتقالی به دوره آتی که تخصیص داده شده به خوبی رسیدگی کند و توجه کند که آیا سودهای پیش بینی شده به اندازه کافی برای تایید به تعویق انداختن هزینه ها تاکید می کند. در این مورد آنها می توانند پیشنهادات *FASB* را مبنی بر سرمایه گذاری هزینه های توسعه نرم افزار منعکس کنند. به طور خلاصه، یکبار صورت سود و زیان اولیه را تهیه نماید. به ویژه اگر شخص یک بازرنگری واقعی از حسابداری آن قدر گمراه کننده است که آنها بایستی در طی دوره های آتی مستهلک شوند. مشکل این است که این مساله باعث انعکاس نادرست سود شود که اساساً شامل تمامی درآمد عملیاتی جاری می باشد. این نشریه در سوال بعدی این موضوع را مورد بررسی قرار می دهد

۱۱- درآمد جامع (یا سود جامع)

صورت سود و زیان عملکردی از واحد تجاری را اندازه گیری می کند. سوال این است که آیا این اندازه گیری بایستی به حوادثی که در این دوره و یا حوادثی که در آن مدیریت دارای کنترل می باشد، محدود شود. در یک سطح، معقول ترین اندازه گیری از عملکرد مدیریت در آمد عملیات جاری و یا حتی محدودترین درآمد قابل کنترل جاری می باشد. مسئله ای که در طی ۶ دهه تا به حال مورد بررسی قرار گرفته شده است. این است که مدیریت به طور مکرر تلاش کرده است تا عملکرد ضعیف خود را با گنجاندن سودهای غیر جاری و غیر قابل کنترل پنهان

نمایند در حالی که با زیانهای جاری و قابل کنترل را در آن بگنجانند. راه حل (غیر رضایت بخش) این بوده است که مدیریت را مجبور کنیم تا تأثیر تمام حوادثی که جاری است یا نه و یا قابل کنترل است یا غیر قابل کنترل را بگنجانیم. تاریخ مقررات حسابداری در این قرن بر یک اندازه قابل توجه از تعیین چگونگی اندازه گیری درآمد بر نتایج حق تمرکز دارد و صورت سود و زیان جامع در مقابل درآمد عملیاتی نقش بزرگی را ایفا می کند.

۱۲- هدف از اصول:

موضوع ذکر شده در این سوال آنقدر زیاد است که شخص نمی تواند به طور خلاصه به آن جواب دهد تمام چیزی که یک شخص می تواند امیدوار باشد که انجام دهد اهمیت موضوعاتی است که در آن ذکر کرده است. سوال این است که ما چگونه پیشنهاد کنیم تا استانداردهای حسابداری را تنظیم کنیم و اینکه آیا آنها می توانند از یک مجموعه از اصول همگانی و جامع گرفته شوند. مقاله ی مفید که در این زمینه خوانده می شود. مقاله ای است که توسط **Bob Mautz** در ژانویه سال ۱۹۶۵ در مقاله حسابداری تحت عنوان «جایگاه مفروضات در حسابداری» می باشد.

او عنوان کرد که شروع به تعریف جامعی از مفروضات اصلی واقعاً یک تصادف بود. آن یک بخش از یک پرولوگ برای مفهوم واقعی گزارش، نیاز به یک بحث تحقیقی دارد او می گوید کمیته توجه ای به تعریف دارد شناخته بود و آنرا حذف کرده است این یک نمونه خوب از اینکه چگونه گاهی مواقع تئوری پایه ریزی می شود اما آنرا به یک بحث کلاسیک و استدلال خوب برای

اهمیت اصول دنبال کرد. به طور خلاصه، او پرسید که چگونه یک شخص می تواند مشخص کند که آیا این قلم ویژه یک دارایی است در صورتی که در ذهنش هیچ مفهومی از آنچه که یک دارایی است، ندارد؟

در این بررسی، کاربرد این مفهوم برای موارد ویژه به وسیله اصول حسابداری راهنمایی شده است. در اینجا شرح فصل از چگونگی برخورد کردن با این مشکلات تکرار می شود را نشان می دهد *Mautz* در این مقاله بحث می کند که این مشکلات مورد انتظار بودند. بخشی از قیمت که ما برای مشارکت در فعالیت ها و پیشرفت یک کار بزرگ می پردازیم، است. یک تلاش عقلانی غیر قابل توجه این است که از ترکیبات مختلف استفاده شود اینها به طور ویژه ای تا زمانی که بخشهای ترکیب کننده اش مشخص شوند بایستی به عنوان فعالیت بخش شرح داده شوند، دردسر آور خواهند بود. بعضی معتقدند که ما می توانیم تمام مشکلات با اتخاذ کردن رویکرد برنامه ای بر طرف کنیم. من معتقدم که کمک زیادی باید از این منبع به عمل آید. اگر چه آنها ارائه شده اند، اما نیاز به این اصول، هنوز اساسی می باشد.

۱۳- تئوری به عنوان یک ضمانت کلی:

این سوال خیلی شبیه به آنچه که در آخر فصل با توجه به مقاله ی *Horwitz* و *kolodny* پرسیده شده است، می باشد. جواب این سوال بایستی جستجو شود یک نقل و قول مستقیم از مقاله *Goldberg* در اینجا ارائه شده است، که اعتقاد به این است که آن ممکن است در شکل محتوای مفید باشد. این مقاله یک پیشگفتار برای چاپ مجدد مقاله ۱۹۳۸ توسط *A.A Fitzgerald* یک

حسابدار استرالیایی شناخته شده می باشد ، که نظرات متخصصان پیشین *More . Hatfield* .
sonder را تفسیر کرده است . *Goldberg* اظهار کرد که *Fitzgerald* * اصولی را تشخیص داده
بود و اینکه او حقایق اساسی را متوجه شد *Goldberg* یادآور شده که ماهیت را به عنوان یک
حقیقت بنیادی را بررسی نکرده است و بنابراین حقیقت نسبی است و یا میزان پذیرش ضمنی
در بنیادگرایی که به آن توجه نکرده است از این رو ، او نرسید که چه تفاوتی بین یک کار مورد
قبول که مبتنی بر یک تجربه و تحلیل معقول است و هنوز می تواند در تعریفش فرار گیرد و کار
دیگر با آوردن یک دلیل اساسی یک حقیقت بنیادی گسترش می یابد . *goldberg* عقیده
fitzgerald را اینطور بیان کرد که از اصول باید بدون تردید درباره چگونگی به کار گرفتن
موقعیت ها استفاده شود اما پیشنهاد می کند که خیلی از استانداردها جاری رابطه کمی با اصل
اساسی را دارد او پیشگفتارش را با پرسیدن از اینکه آیا در حقیقت ، هیچ حقیقت بنیادی وجود
دارد که در تئوری حسابداری و یا در آخرین راه حل کشف شود . او نتیجه گیری می کند که باید
فرضیات که نتیجه توافق و قرار داد انسانی و قابلیت استفاده محدود دارد .
این سوالی است که باید مشخص شود که آیا اصلاً قابل تعیین است . این یک موضوع مربوط به
آینده است نه گذشته . شرایط در ارتباط با اثبات اولیه نا مطمئن است ، اصول به طور بالقوه ی
ضمانت کلی است ، به طور شخصی نتیجه بگیرد که *Goldberg* معتقد است که حسابداران
بررسی خواهند کرد . نظریه *Linus* درباره ضمانت و مورد تردید و بررسی قرار می گیرد
موضوع توسط حسابداران منطقی در بازار برای مدیران اجرائی تهیه شده است . بحث بعدی مبتنی

بر پیشنهادات پروفیسور *John Shank* است که این گزارش سالیانه شامل بزرگترین مبلغ کسر اوراق قرضه است که تا به حال بیش از ۵۱ میلیون دلار می باشد. طبق این بررسی از صورتهای مالی، او کشف کرد که دیگر انتشارات جالب حسابداری به ویژه سرقفلی منفی و حسابداری تفکیک پذیر برای گواهینامه حق تقدم خرید سهام می باشد. همه این مسائل به روش حسابداری *NVF* برای اکتساب شرکت سهامی *Sharon* مربوط می شود. موارد اصلی اش به خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. من بحث انتشارات حسابداری اوراق قرضه تمرکز دارد. من یک بحث از این مورد را با همکاری دانشجویانی که از کلاسهای متوسط انجام دادم و متوجه شوم که چگونه اوراق قرضه به کار ببرند و آنها را شناسایی کنند و از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۹ را بخوانم و شروع کنم. ما معمولاً بایستی تجدید نظر کوچکی انجام دهیم تا به آنها یادآوری کنیم که بعد از *ABC* اوراق قرضه بر اساس ارزش اسمی شان شناسایی نشدند پس چرا *NVF* یک نرخ کوپن ۵ درصد برای اوراق قرضه قرار داد و چنین تخفیف زیادی را قائل شد؟

جواب اول این است که صادر کردن ۹۹ میلیون دلار از ۵ درصد بدهی سهم از ۱۳ درصد بازار اوراق قرضه ارجحیت دارد. در جریان پول نقد نیز صادر کردن ۴۲ میلیون از وام ۱۳ درصدی حتی اگر چه هر دو ۴۲ میلیون از پول نقد جاری را تهیه می شوند ارجحیت دارد. سهم اوراق قرضه پائین تر دارای قیمت های بهره پول نقد پائین تر در طی عمر اوراق قرضه هستند اما دارای بهای تمام شده بالاتری می باشد. یک شرکت ممکن است بهای تمام شده نقدی سالانه پائین تری را ترجیح دهد. دیگر شرکت ها ممکن است ترجیح دهند مجبور نباشد قیمت تمام شده

نهایی بالاتری پردازند. بنابراین یک دلیل ساده برای گردش وجوه نقد وجود دارد. موضوع اصلی که دانشجویان بایستی درباره اوراق قرضه بفهمند این است که صرف نظر از جریان پول نقد، هزینه بهره یکسان می باشد، این همیشه این طور نیست. پیش از بیانیه *APB 21*، یک شرکت هزینه بهره پائین تری را نشان داد. این شانس برای افزایش درآمد گزارش شده است یک انگیره روشن را برای مدیریت ایجاد کرد تا اوراق قرضه را به کسر صادر نماید.

با این پیش زمینه ما می توانیم حالا به سوی سوالی که من گرایش داشتم که به طور همزمان به آن جواب دهم، برویم. چرا کسر را به عنوان یک دارایی گزارش می کنیم؟

چرا آن را به عنوان یک بدهی متقابل گزارش می کنیم؟

من برای این سوال در فصل مربوط به بدهی ها اظهار عقیده می کنم به من اجازه بدهید که یک شرح مختصری از نظرم را در این جا ارائه دهم.

من معتقدم که هر دو رویکرد اشتباه است اوراق قرضه به نظر من بایستی در ارزش جاری شان ارزیابی شود. در این ارزش جاری شان نگهداری شود. این طور بگویم که اوراق قرضه بایستی بر اساس ارزش دفتری نگهداری شود. روش امروزی اوراق قرضه بر اساس ارزش ناخالص می باشد و کسر اوراق قرضه به طور جداگانه نشان داده شده است که به طور ساده قابل فهم نیست که ارزش زمانی پول که در یک دوره زمانی حسابداری مشخص ثابت می باشد.

همانطوری که *Moore . Hatfield . Sarders* رویکرد قدیمی تر این است که کسر اوراق قرضه را به عنوان یک هزینه انتقالی به دوره آتی می باشد، زیرا آن در طی عمر اوراق قرضه به سرمایه

تبدیل و مستهلک می شود ، جدا از انتقال کسر اوراق قرضه به سمت چپ به راست می باشد .
حسابداری امروزی دقیقاً همان کاری را انجام می دهد که حسابداران قدیمی انجام می دادند . ما
هنوز درباره مستهلک کردن کسر اوراق قرضه بحث می کنم . اگر چه بهای تمام شده که در
عوض مربوط به حساب عجیبی است که باعث کم کردن ارزش فعلی از ارزش اسمی ایجاد
گردد. آنچه در واقع در حال اتفاق افتاده است این است که بهره پرداخت شد کمتر از هزینه بهره
است . بنابراین بدهی پرداختی در حال افزایش است محتوای اقتصادی از آنچه که در حال اتفاق
افتادن است به وسیله حسابداری نامفهوم می باشد . آیا کسر ناشی از یک دارایی به عنوان یک
حساب کاهنده دارایی یا بدهی می باشد ، به دست آوریم ؟ آیا تغییر در اصول وجود دارد ؟
من تردید دارم که اصول پیشنهاد شده اند که باشد و آن فهم بهتری از ماهیت تجزیه و تحلیل
ارزش فعلی ارائه می دهد که کار حسابداری را بهبود می بخشد . از این رو ، اصول در این دوره
تغییر می کند . یک فهم جدیدی از آنچه که شرایط دارایی ها و بدهی ها ارائه می دهد وجود دارد
به ویژه هزینه های انتقالی به دوره آتی به استثنای دارایی ها می باشد. بنابراین در مجموع
جوابهای ارائه بر این سه سوال این است که اولاً کسر اوراق قرضه یک هزینه انتقالی به دوره
آتی نیست و می توان گفت که دارایی نیست . یک شخص می تواند این را از تعریف دارایی
دریابد .. تا وقتی که یک شخص هزینه های انتقالی به دوره آتی را از طبقه دارایی ها خارج می
کند . در این زمینه ، یک تعریف جدید از دارایی ها به تغییر حسابداری اوراق قرضه کمک کرده
است .

جواب سوال دو این است که یک تغییر در اصول وجود دارد . یک تعریف جدید از دارایی . از این رو ، تعریف کردن کسر اوراق قرضه به عنوان نظارت ، در نظر من رضایت بخش نیست . سرانجام برای پرداختن به کسر اوراق قرضه به عنوان یک دارایی بر برتری صورت سود و زیان و بررسی کسر اوراق قرضه که به عنوان یک هزینه های انتقالی به دوره آتی تکیه دارد . یک شخص ممکن است بیان کند که این بررسی در کسر اوراق قرضه هنوز حسابداری اوراق قرضه را از طریق نظریه استهلاک کسر به خود اختصاص می دهد .

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: esmail
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/7/2012 12:20:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/7/2012 12:20:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 42
Number of Words: 7,127 (approx.)
Number of Characters: 40,629 (approx.)